روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

پیامبر اعظم(ص):
برای یتیم همچنان پدری مهربان باش و بدان همان‌طور که کشت می‌کنی درو خواهی کرد.

به عبارت دیگران

شجاع‌تر از علی(ع)

گردآورنده: تقی دژاکام

من معتقدم امام حسن مجتبی شجاع‌ترین چهره تاریخ اسلام است. می‌پرسید از علی هم شجاع‌تر است؟ از برادرش حسین هم شجاع‌تر است که در میدان جنگ، آن جنگ خونین، با آن فداکاری عجیب خودش را به کشتن داد؟ بله! شجاعت واقعی این است که انسان بر طبق آنچه مصلحت فکر و ایدئولوژی اوست اقدام بکند؛ اگرچه کسی نفهمد. و امام حسن حاضر شد خود را و نام خود را و وجهه خود را و محبوبیت خود را در میان دوستان نزدیکش، فدای مصلحت واقعی بکند؛ حاضر شد که او را نشناسند، برای اینکه اسلام را بشناسند و اسلام بماند.

آیا امام حسن می‌توانست در جنگ با معاویه شهید باشد؟ نه، نمی‌توانست! شهید کیست؟ شهید آن کسی است که جان خود را مایه می‌گذارد، خون خود را می‌ریزد، برای ابقای فکر و ایده‌ای که به آن احترام می‌گذارد؛ این شهید است. امام حسن اگر در میدان جنگ کشته می‌شد، به این معنا بود که معاویه تنها منازع خود را، تنها کسی را که امکان دارد نقش افشاگری و رسواگری در برابر روش‌های پنهانی و ریاکارانه معاویه ایفا کند، یک چنین رقیبی را دیگر در مقابل راه خود نبیند.

سیدعلی حسینی خامنه‌ای
۲ امام مجاهد
انتشارات انقلاب اسلامی
صفحات ۴۲ و ۴۴

***

معامله حق و باطل یا برد است یا باخت؛ سوم ندارد!

میرزا عبدالزکی گفت: می‌خواهی خودت را فدا کنی؟ می‌خواهی شهید بشوی؟ راستی که کار این شهیدپرستی تو هم دیگر به شهیدنمایی کشیده، جانم! میرزا اسدالله گفت: دهن من بچاد آقاسید! اما من حالا می‌فهمم که چرا کسی تن به شهادت می‌دهد. چون بازی را می‌بازد و فرار هم نمی‌تواند بکند. این است که می‌ماند تا عواقب باخت را تحمل کند. وقتی کسی از چیزی یا جایی فرار می‌کند، یعنی دیگر تحمل وضع آن چیز یا آن جا را ندارد و من می‌خواهم داشته باشم؛ برای من تازه اول امتحان است. میرزا عبدالزکی گفت: می‌بینی که داری ادای شهدا را درمی‌آوری جانم! آخر این همه که در مرگ شهدا عزا گرفتیم بس نبود؟ امکان عمل را می‌گذاریم برای دیگران و خودمان به شهیدنمایی قناعت می‌کنیم جانم! همین است که کارمان همیشه لنگ است. یادت رفته می‌گفتی باید از پیش، نقشه داشت؟ خب جانم، این فرار هم یک نقشه است؛ آمادگی برای بعد است جانم؛ یک نوع مقاومت است. میرزا اسدالله گفت: نه؛ فرار، مقاومت نیست؛ خالی کردن میدان است. کسی که فرار می‌کند، از خودش سلب حیثیت می‌کند. حتی در یک بازی، یا باید بُرد، یا باید باخت. صورتِ سوم ندارد. معامله بازار که نیست تا دلال وسطش را بگیرد؛ معامله حق و باطل است.

جلال آل احمد
نون والقلم
انتشارات امیرکبیر
صفحات ۱۹۲ و ۱۹۳

***

سوژه‌هایی که آقا پیشنهاد دادند

بسیاری از سوژه‌های شعری که خیلی مطلوب واقع شد اصل سوژه و فکر آن از رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بود. مثلاً [قبل از پیروزی انقلاب] می‌فرمودند که خوب است شعری در این زمینه ساخته شود که جوان‌ها تشویق شوند، بدانند که بردگی انواعی دارد، امروز کل جوان‌های ایران ما «برده» هستند و من یک مثنوی بلندی در همین سوژه‌ای که ایشان داده بود سرودم. شعر دیگری هم درباره «غربزدگی» دارم که به صورت قصیده مفصلی است که سوژه شعر را ایشان دادند.

محمدحسین بهجتی (شفق)
خاطرات
انتشارات سوره مهر
صفحه ۵۳

***

خاطره رسول ملاقلی‌پور از برگ مأموریت شهید شوکت‌پور!

شهید حسن شوکت‌پور به گفته بسیاری از دوستانش، با درگذشت امام خمینی بسیار اندوهناک شد، به‌طوری که بارها می‌گفت: «با رحلت امام دیگر ادامه زندگی برایم قابل تحمل نیست». رسول ملاقلی‌پور فیلمساز شاخص کشورمان با نقل خاطره‌ای از این شهید بزرگوار می‌گوید: در عملیات طریق‌القدس، حسن آقا ۷۲ساعت نخوابیده بود. یا پشت بی‌سیم بود یا پشت فرمان. هر کجا کار بود حسن شوکتی‌پور نیز بود تا اینکه در عملیات والفجر ۸ قطع نخاع شد. این کارگردان برجسته دفاع مقدس ادامه می‌دهد: حسن آقا شوکتی‌پور با آن حال و روزش صبح‌ها می‌آمد لجستیک سپاه کار می‌کرد و شب‌ها هم به آسایشگاه برمی‌گشت. یک روز به او گفتم: حسن آقا! این همه سال جنگیده‌ای، بیابان‌ها و کوه‌ها رفته‌ای و آمده‌ای؛ حالا کمی استراحت کن. جواب داد: «رسول! خیلی دلم می‌خواهد استراحت کنم ولی نمی‌شود؛ بدون اینکه بخواهم در زندگی برای عده‌ای تکیه‌گاه شده‌ام. می‌ترسم من بیفتم، آنها هم بیفتند. بعد هم رسول جان! خدا یک برگ مأموریت به ما داده است که تا نفس داریم باید به دنبال مأموریت‌مان باشیم، وقتی هم برگ مرخصی را داد خب می‌ریم». این سردار شهید استان سمنان، در سحرگاه ۲۹ مردادماه ۱۳۶۸، دو ماه پس از ارتحال امام خمینی، بر اثر عفونت شدید کلیه، از صف اهل دنیا جدا شد و در بیمارستان بقیه‌الله «عج» به خلعت «شهادت» مزین شد.

بخشی از گزارش خبرگزاری ایسنا
۲ مهر ۱۳۹۹

بررسی میزان تنوع ژانر در آثار اخیر نمایش خانگی

اینجا هم کلیشه!

علیرضا ابوترابی

یکی از دلایل جذابیت صنعت سینما و سریال‌سازی و بقای آن تاکنون، تنوع در داستان و مضامین است. این تنوع به مبحث ژانر برمی‌گردد. ژانرها یک سری قواعد دارند که آثار هنر هفتم را از یکدیگر متمایز می‌کنند. این قواعد که شامل بستر داستانی، قالب، حس و حال و مخاطب هدف هستند، به ما در دسته‌بندی و انتخاب فیلم و سریال‌ها کمک می‌کنند. در ایران، آثار سینمایی و سریالی به دلیل محدودیت‌های مالی و نبود زیرساخت‌های مورد نیاز با مساله ضعف در ژانر روبه‌رو هستند. در دوران اخیر به واسطه این کمبود ژانر بسیاری از مردم فیلم‌ها را به ۲ گروه کمدی و اجتماعی تقسیم می‌کنند، در حالی که آثار اجتماعی خود زیر گونه درام محسوب می‌شوند و به اشتباه عده‌ای هر اثری را که کمدی نباشد حتی با داشتن مفاهیم عاشقانه مطلقا اجتماعی می‌خوانند. با نگاهی جزئی‌نگرتر اما خواهیم دید که با ژانر تاریخی- مذهبی، جنگی (که در ایران به آن دفاع مقدس اطلاق می‌شود) و آثاری که مضامین پلیسی و جاسوسی را به دوش می‌کشند روبه‌رو هستیم. در این بین نیز رد پایی کم‌رنگ از آثار غیرجدی دیگر مثل علمی- تخیلی، فانتزی و وحشت هم به چشم می‌خورد.

وضعیت تنوع ژانر یا تعبیر دقیق‌تر عدم تنوع ژانر در سینمای ایران، یک مبحث دامنه‌دار و پربحث است که زیاد به آن پرداخته شده اما می‌توان دامنه طرح این موضوع را به آثار نمایش خانگی هم کشاند.

با نگاه به سریال‌های اخیر نمایش خانگی در بازه‌ای تقریبا یک‌ساله، می‌توان پی برد که سهم هر ژانر در آثار نمایش خانگی تا چه اندازه بوده است. آیا همچون وضعیت آثار شاهد ژانرهای جدیدتر و نوآوری در ساخت و ظهور مضامین جدید هستیم یا اینکه نوع دیگری از انحصار صنعت سرگرمی ایران در ژانرهایی ویژه را شاهد هستیم؟

با بررسی دقیق سریال‌های اخیر نمایش خانگی پی می‌بریم که چون سابق، ژانر درام پای ثابت آثار ایرانی است. با این تفاوت که درام به آثار اجتماعی کلیشه‌ای محدود نمی‌شود و ما با پروژه‌هایی از این گونه طرف هستیم که در ابعاد و بسترهای مختلف تاریخی، جنایی و ماجراجویانه پا به عرصه ظهور می‌گذارند. از سوی دیگر همچنان عاشقانه‌ها پا در ابتذال و مثلث‌های عشقی گذاشته‌اند و فیلمسازان، عاطفه و عشق را با منفعت اشتباه گرفته‌اند و نمی‌توانند آن عشق خالصانه و عمیق را به تصویر بکشند. با توجه به تاریخ پر فراز و نشیب ایران که بستر روایات دراماتیک را بخوبی فراهم می‌کند، سریال‌های مربوط به گونه تاریخی کمافی‌السابق در کنار بقیه آثار مشغول در معرض نمایش قرار گرفتن هستند.

نکته حائز اهمیتی که از گزارش ذیل استنباط می‌شود پررنگ شدن ژانرهای کمتر پرداخته‌شده‌ای چون جنایی و معمایی و افول ژانر کمدی در طرف دیگر ماجراست که ویژگی متمایز آثار نمایش خانگی نسبت به سینمای ایران محسوب می‌شود.

نمایش خانگی که خود با این گونه پرطرفدار، یعنی کمدی فرصت بروز پیدا کرد، حالا گویی قصد دارد آن را پس بزند و کنار بگذارد.

وحشت و فانتزی از دیگر گونه‌هایی‌اند که در کارهای ایرانی آن طور که باید جدی گرفته نشده‌اند. اکنون ما سریال ازازیل و اجل معلق را می‌بینیم که سعی در ساخت اثری با مضمون ارتباط دنیای طبیعی و فراطبیعی با ته‌مایه‌ای فانتزی دارند. ازازیل سمت و سوی محتوایش به ژانر وحشت و اجل معلق به کمدی گرایش پیدا کرده؛ ولی در کل آن طور که باید توسط مخاطبان از این ۲ سریال بازخورد مناسبی گرفته نشده است.

به نظر می‌رسد تا اندازه‌ای سعی شده سریال‌های نمایش خانگی هم مثل سینما در ورطه یکدستی ژانر نیفتند. این موضوع در جان گرفتن ژانر جنایی و متنوع شدن درام‌ها مشهود است اما با وجود تلاش‌هایی که برای آثار فانتزی و وحشت صورت گرفته این ژانرها به درستی خود را به مخاطب عرضه نکرده‌اند و ما برای متنوع شدن و فراگیری آثارمان همچنان یک راه طولانی اما شدنی را در پیش داریم.

درام: همیشه پرطرفدار

ژانر درام با سریال‌های زخم کاری۴، جان سخت، آبان، جنگل آسفالت، سووشون، وحشی، شکارگاه، از یاد رفته، تاسیان، داریوش، قهوه پدری، گردن‌زنی، در انتهای شب و شغال بیشترین سهم را در کارهای نمایش خانگی به خود اختصاص داده است.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، امروز در ایران ژانر درام و اجتماعی بنا به یک اشتباه رایج، به جای یکدیگر خوانده می‌شوند. اکنون ما شاهد پرداخت به این ژانر در بسترهای مختلفی داستانی نیز هستیم؛ هر چند همچنان زیر گونه اجتماعی در کارهایی چون جنگل آسفالت، آبان، وحشی، داریوش، در انتهای شب و شغال به چشم می‌خورد. اما از سویی ما با آثاری چون سووشون، شکارگاه و تاسیان طرف هستیم که در گذشته روایت می‌شوند و درونمایه‌ای تاریخی دارند.

زخم کاری۴، جان سخت و گردن‌زنی هم از سریال‌هایی ماجراجویانه‌ای هستند که به واسطه موقعیت‌های بعضا هولناک و دلهره‌آور سعی در ساخت روایتی درام دارند.

جنایی- معمایی: نوظهور

از آثار جنایی - معمایی نمایش خانگی می‌توان به زخم کاری۴، بازنده، کنکل، وحشی، جان سخت، ازازیل و گردن‌زنی اشاره کرد. ژانر جنایی به تازگی محبوب فیلمسازها و پلتفرم‌ها شده، این موضوع در بین فقر ژانری که صنعت سرگرمی ایران به آن دچار است و مخاطبان هم با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، اتفاقی مثبت تلقی می‌شود. در سال‌های گذشته در میان آثار نمایشی صداوسیما، نظاره‌گر آثاری با مضمون و داستان پلیسی و جاسوسی و گاهی معمایی بوده‌ایم. عمده این آثار اکشن-پلیسی بعد از چند کار قابل توجه که توسط مهدی فخیم‌زاده ساخته شد، دیگر به مرحله جدیدی از بهبود و تجدید کیفیت دست نیافت و این ژانر قدرت و توانایی خود را در همان سطوح باقی گذاشت. سریال‌های جنایی آن طور که در ابعاد بین‌المللی درخشان است، در این ایران به منصه ظهور نرسیدند اما اکنون ما شاهد خودنمایی این گونه پرطرفدار و مهیج در نمایش خانگی هستیم.

آثار ژانر جنایی در حال حاضر، هم در حال و هوای اجتماعی مثل «وحشی» و هم در فضاهای معماگونه‌تر مثل «بازنده» به نمایش می‌رسند.

عاشقانه: در دام تکرار

تاسیان، از یاد رفته، سووشون، جان سخت، آبان و در انتهای شب از سریال‌های عاشقانه نمایش خانگی در دوره اخیر هستند.

عشق مفهومی است که همیشه همراه بشر بوده و هست و برای زندگی آدمی موضوع مهمی به شمار می‌رود. بنابراین بدیهی است آثاری که حامل مضامین عاشقانه‌اند، هم در عرضه و هم در تماشا پرطرفدار باشند. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و ما همیشه در صداوسیما، سینما و نمایش خانگی شاهد این نوع آثار بوده‌ایم. منتها موضوع مهمی که باعث ضعف در این ژانر شده و چون غده‌ای سرطانی به آن لطمه وارد کرده مبحث کلیشه است.

تومور کلیشه

مشکل اصلی کلیشه این است که مخاطب را شرطی‌سازی می‌کند. فرض کنید شما در یک فیلم یا سریال دیده‌اید که ۲ مرد به طور همزمان عاشق یک زن هستند و بعدتر کشمکش‌هایی بین این ۲ مرد برای رسیدن به آن زن به وجود می‌آید. شما بعدا داخل چند فیلم و سریال دیگر با این چنین ایده و ساختمان داستانی‌ای مواجه می‌شوید. این نوع پی‌ریزی داستانی پس از مدتی برای‌تان قابل پیش‌بینی می‌شود و ممکن است شما را به این فکر ببرد که همه فیلم و سریال‌هایی که در ژانر درام-عاشقانه قرار دارند به این سبک و سیاق ساخته شده‌اند. بنابراین دیگر شوق زیادی برای دیدن آثاری دیگر از این گونه نشان نمی‌دهید.

در نتیجه می‌توان گفت کلیشه باعث لطمه زدن به یک ژانر می‌شود و از ذوق بیننده می‌کاهد و به سلیقه‌اش ضربه وارد می‌کند.

در حال حاضر بخش قابل توجهی از سریال‌های عاشقانه نمایش خانگی هم اینطور هستند و ما با فقر موضوع و داستان‌های جدید در این ژانر مواجهیم و نوآوری‌های قابل توجهی با وجود ازدیاد آثار عاشقانه ما را مجذوب خود نمی‌کند.

کمدی: در حال افول

کارهای طنزی که اخیرا در نمایش خانگی منتشر شده‌اند از تعداد انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند. قهوه پدری و اجل معلق، تنها مجموعه‌های کمدی در یک سال گذشته هستند. به نظر می‌رسد دلیل این افول، کمبود محتوا و ضعف در ایجاد موقعیت‌های نو و در عین حال طنز است.

امروز در سینمای ما ۳-۲ بازیگر پرتکرار و پرفروش، به‌علاوه رقص و آهنگ و تعدادی متلک‌های جنسی و موقعیت‌های تابوشکنانه و جنجالی فروش بالای ۷۰ میلیارد را برای فیلم‌های کمدی تضمین می‌کند اما ظاهرا این فرمول به دلیل کمبود منابع و رغبت سرمایه‌گذاران برای سریال‌های نمایش خانگی جوابگو نیست و ما به تازگی آثار کمی را در این گونه می‌بینیم.

پدیده نمایش خانگی در ایران ابتدا با «قهوه تلخ» ظهور پیدا کرد و بعدتر با «شوخی کردم» و «سال‌های دور از خانه» و... رونق گرفت اما حالا دیگر از سریال‌های پرطرفدار کمدی تهی شده است. به نظر می‌رسد دلیل این موضوع، ضعف فیلمسازان در آفرینش روایات جدید باشد.

بن‌بست مضمون‌آفرینی

قبل از این برهوت سریال‌های کمدی، نصف بیشتر شوخی‌ها و موقعیت‌های کمدی که در آثار مختلف به چشم می‌خورد، دقیقا روگرفت از همان اتفاقات طنزی بود که ما در تمام سریال‌های خوب بعد از انقلاب، از پاورچین و خانه به دوش گرفته تا ساختمان پزشکان و دزد و پلیس دیده بودیم. این آثار پیرنگ‌هایی داشتند که با زیست طبیعی مردم نسبت ملموس و معینی پیدا می‌کرد. پسرک بینوایی که با معضلات تکراری و با بدشانسی‌ها و گرفتاری‌های طنازانه و در عین حال تلخی که در مسیر پرفراز و نشیبش وجود دارد، می‌خواهد به دختر مورد علاقه‌اش برسد. شخصی عاقل و بالغ و علیم که در میان گله‌ای از افراد نادان و تهی‌مغز گیر افتاده. چند دوست که هر کدام در زندگی‌های خودشان مشکلات خاصی دارند و...؛ این ماجراها با موقعیت‌ها و شوخی‌های روزآمد و ملموس‌شان واو به واو مسائل روزمره زندگی مردم را به قالب داستانی درمی‌آوردند.

حالا اما حتی کارگردانان خوب چند دهه گذشته هم شروع به تقلید از فرم‌ها و روایت‌های قبلی خودشان کرده‌اند؛ آن دسته از فیلمسازانی هم که به نمایش خانگی و سینما کوچ کرده‌اند، قصد دارند با استفاده از لوکیشن‌های پر زرق و برق، بازیگران مطرح و شوخی‌های عمدتا مبتذل و جنسی مخاطب‌شان را جذب کنند.

این در حالی است که می‌توان سریال طنزی را با یک روایت نو، شوخی‌های جدید، هزینه‌های معقول‌تر و حتی با بازیگران کمتر شناخته شده ساخت.

در شبکه‌های اجتماعی
@vatanemrooz